

## پیشه



رشت / کیلان

مهری شیرمحمدی  
عکس‌ها: آرشیو

زیر باران ممتد آبان ماه، به «محله باقرآباد» می‌روم. محله‌ای که اوایل انقلاب ۱۳۵۷، به محله «استالین‌گراد» معروف بود. با نگاهی به ابعاد خانه‌ها، مشاغل و زندگی این محله که بار اصلی بازار و تجارت رشت را به دوش می‌کشید، می‌شد فهمید چرا کارگران زحمتکش فریب شعارهای فریبده کارگری را خورده بودند. امروز اما زیر بار آن همه امید، باز هم این محله به لحاظ امکانات شهری، کم‌برخوردار است.

پیش از ایجاد خیابان‌های تختی، شریعتی و سعدی، دو محله ساگری سازان و باقرآباد به صورت یکپارچه به بازار رشت متصل می‌شد. اگر ساگری سازان را مرکز تجارنشین در نظر بگیریم، باقرآباد محله کارگرنشینی بود که با ایجاد صنعت ارابه‌سازی و دیگر صنایع جانبی، نقش حمل و نقل کالاهای تجاری بازار را به دوش می‌کشید.

مهم‌ترین نقش باقرآباد، ایجاد صنعت ارابه‌سازی و حمل کالاهای تجاری از محله سرخبنده به سمت بندر پیربازار و در نهایت بندرانزلی و کشورهای اروپایی بود. به روزگاری که رشت بارانداز کالاهای تجاری فلات ایران و ابریشم به مقصد اروپا بود. حتی شاهان قاجار در سفرهای خود به فرنگ، از همین محله عبور می‌کردند.

اما از آن همه عبور شاهانه و انقلابی که نوید رفاه برای کارگران را می‌داد، هنوز محله باقرآباد بی‌بهره است. گاراژهایی که زمانی مهم‌ترین مراکز ساخت ارابه، کارگاه‌های نجاری و بارگیری کالاهای بود، امروز مرکز دیپوی ضایعات پسماند شده است.

از رضایی بوساری، آخرین ارابه‌ساز رشت، آدرس «گاراژ صمدخان» را می‌پرسم و پرسان پرسان تا مسجد صمدخان می‌روم. خودروهای حمل ضایعات داخل گاراژ پشت مسجد، انواع آهن آلات قراضه و کاغذ و مقوا را داخل حیاط دیو می‌کنند.

ته حیاط، «رضا صندوق‌ساز» جلوی مغازه کوچکی بیکار نشسته است.

ورودی در کارگاه، دو عدد صندوق بزرگ روسی با نقش و نگارهای دلفریبش یاد مراسم «جهان‌بران» عروسی‌های قدیم را زنده می‌کند. یاد صندوق مادر بزرگ که داخلش همیشه برای مانو‌ها شکرپنیر و شکلات پیدا می‌شد.

با او حال و احوال می‌کنم. انگار ۶۰ سال تجربه هنر صندوق‌سازی را می‌توان در نخستین صندوق ساخته شده استاد رضا دید که همچون گنجی در گوشه کارگاه نگاه داشته است.

«۱۸ سال بود که این صندوق را ساختم. آن زمان در حجره استادم سرکارگر بودم. ۶۰ سال پیش آن را فروختم. چند سال پیش صاحبش می‌خواست آن را بفروشد، دوباره آن را ازش خریدم».

رضا صندوق‌ساز این صندوق را همچون دفتر خاطرات خود می‌داند. خاطرات حرفه‌ای که عمر هشتاد و چندساله‌اش را با آن سپری کرده و حالا که خود استادکار شده، می‌گوید: «من بمیرم، صندوق‌سازی هم با آن اصالت قدیم نابود می‌شود». نزدیک به ۸۰ سال دستش به کار «الوارهای چوب»، «رنده»، «فاوان» و «حلب» بوده. از وقتی که بچه بود، وی را نزد استادکاری می‌بردند تا حرفه‌ای بیاموزد، حرفه‌ای که این روزها دیگر خریدار ندارد. از وقتی خرید چمدان باب شد، دیگر هیچ نوع روسی گنجه رخت و لباس بختش را به صندوق‌های «روسی» و «تورنده» نمی‌سپارد. کار استاد رضا محدود شده به تعمیر صندوق‌های قدیمی و سفارش‌های موردی.

رضا صندوق‌ساز می‌گوید: «در گذشته اولین خرید برای یک نوع روس، خرید صندوق بود. کمد و چمدان و این حرف‌ها نبود. صندوق را می‌خریدند تا لباس‌های تازه عروس و داماد و هدایایی که خانواده‌ها داده‌اند، داخل آن بگذارند. الان دیگر کسی صندوق نمی‌خرد. البته من مشتری‌هایی داشته‌ام که ایرانی هستند ولی سال‌ها در دیگر کشورها زندگی کرده‌اند و وقتی به زادگاهشان برای تفریح می‌آیند، سفارش ساخت می‌دهند. صندوق‌های من به انگلستان، کانادا و خیلی از کشورها رفته است».

